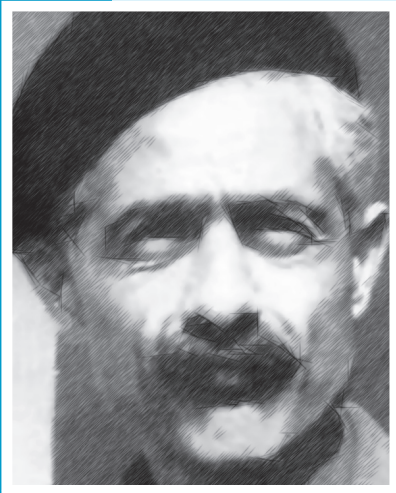


۵	فارسی ۱۰
۴۷	فارسی ۱۱
۷۹	فارسی ۱۲
۱۳۱	املا
۱۳۵	آرایه
۱۵۰	کنکور ۹۸



جلال آل احمد

۱۳۰۲ - ۱۳۴۸

نویسنده، پژوهشگر، مترجم
آرامگاه: شهر ری

شاگردهای مدارس این روزها زبان فارسی را
بیشتر از مجلات هفتگی و رادیو و سینما و تلویزیون
می آموزند تا از کلاس ادبیات فارسی، چرا که در همه
اینها که گذشت، مطالبی هست که مدرسه از آنها
بی خبر است.

گزیده آثار:

داستانها و مقالات:

پنج داستان - نفرین زمین - ارزیابی شتابزده - سنگی بر گوری - غرب زدگی - نون والقلم - مدیر مدرسه - سرگذشت کندوها - زن زیادی - سه تار
از رنجی که می بریم - دید و بازدید - در خدمت و خیانت روشنفکران - سفر به ولایت عزرائیل - مکالمات - یک چاه و دو چاه - نیما چشم جلال بود
در خدمتیم - اسرائیل، عامل امپریالیسم

سفرنامهها:

خسی در میقات - سفر روس - سفر آمریکا - جزیره خارک، در یتیم خلیج فارس - تات نشین های بلوک زهرا - اورازان

ترجمهها:

تشنگی و گشنگی (همراه با هزارخانی) - چهل طوطی (همراه با سیمین دانشور) - عبور از خط (همراه با هومن) - مانده های زمینی (همراه با پرویز داریوش)
کرگدن - بازگشت از شوروی - دست های آلوده - سوء تفاهم - بیگانه (همراه با خیره زاده) - قمارباز

معنی درست واژه‌ها: ۳۱

وَ رطه: زمین پست، مهلکه، هلاکت

نادره: بی نظیر، بی مانند

خیره: فرومانده، سرگشته، حیران، لجوج، بیهوده

نمط: روش، نوع

معنی درست واژه: زهی: آفرین ۴۲

معنی درست واژه‌ها: ۲۳

قفا: پس گردن، پشت گردن، پشت

هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی، جمعیت مردم

برازندگی: شایستگی، لیاقت

معنی درست واژه: زهره: ترسناک، وحشت آور ۳۴

واژه «زهره» در گزینه (۳) با تلفظ «زهره» و به معنی «کیسه صفرا» و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «زهره» و به معنی «سیاره ناهید» به کار

رفته است. این سیاره مشهور است به «نوازنده فلک»!

واژه «زهره» در گزینه (۳) با تلفظ «زهره» و به معنی «سیاره ناهید» و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «زهره» و به معنی «کیسه صفرا» به کار

رفته است.

واژه «زهره» در گزینه (۲) با تلفظ «زهره» و به معنی «کیسه صفرا» و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «زهره» و به معنی «سیاره ناهید» به کار

رفته است.

واژه «کام» در این گزینه در معنی «آرزو و خواسته» و در سایر

گزینه‌ها در معنی «دهان» به کار رفته است.

واژه «کام» در این گزینه در معنی «دهان» و در سایر گزینه‌ها در

معنی «آرزو و خواسته» به کار رفته است.

واژه «خیره» در گزینه (۳) در معنی «سرکش و لجوج» و در سایر

گزینه‌ها در معنی «بیهوده» به کار رفته است.

واژه «خیره» در گزینه (۴) در معنی «بیهوده» و در سایر گزینه‌ها

در معنی «حیران، سرگشته و فرومانده» به کار رفته است.

واژه «خیره» در گزینه (۲) در معنی «حیران، سرگشته و فرومانده»

و در سایر گزینه‌ها در معنی «بیهوده» به کار رفته است.

واژه «همسری» در گزینه (۲) در معنی «زوج برگزیدن» و در سایر

گزینه‌ها در معنی «برابری و مساوات» به کار رفته است.

واژه «راست» در گزینه (۲) در معنی «مقابل چپ» و در سایر

گزینه‌ها در معنی «به درستی و کاملاً» به کار رفته است.

واژه «راست» در گزینه (۲) در معنی «بی‌انحراف و متعادل» و در

سایر گزینه‌ها در معنی «به درستی و کاملاً» به کار رفته است.

واژه «راست» در بیت سؤال و گزینه (۲) در معنی «به درستی و

کاملاً» به کار رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) درست، مقابل دروغ

(۳) مقابل چپ

(۴) درست، مقابل دروغ

«سهم» در این گزینه به معنی «بهره و نصیب» آمده، اما در سه

گزینه دیگر در معنی «ترس و بیم» است.

املاي درست واژه: فضل: بخشش، گزم، نیکویی ۳۱۸

املاي درست واژه: بحر: دریا (بهر: برای) ۲۱۹

املاي درست واژه: خواستن: طلب کردن (خاستن: بلند شدن) ۳۲۰

املاي درست واژه: ورطه: گرداب ۴۲۱

املاي درست واژه: رزق: روزی ۴۲۲

املاي درست واژه: نمط: روش، شیوه ۴۲۳

مطرب عشق (نهاد): راه مستانه زد. ۴۲۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) [آن مست] با مردم هشیار چه (مفعول) کرد.

(۲) [من] دوش مشکل (مفعول) خویش بر پیر مغان بردم.

(۳) بدین ترانه غم (مفعول) از دل توانی به در کرد.

نرگس ساقی آیت افسونگری (مضاف‌الیه) بخواند. ۴۲۵

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) [تو] حجله (مفعول) حسن بیارای.

(۲) [آنان] حقیقت (مفعول) ندیدند.

(۳) [تو] حسب‌حالی (مفعول) نوشتی.

دل بیمار (صفت) از دست شد (فعل غیراسنادی). ۳۲۶

«شد» در این گزینه در معنی «رفت» آمده و فعل اسنادی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) حافظ شیدای گیتی (مسند) نگشتی (فعل اسنادی).

(۲) [تو] نگران (مسند) باش (فعل اسنادی).

(۴) [او] در علم نظر بینا (مسند) بود (فعل اسنادی).

[من] پاک‌دلی (مفعول) بگزینم. ۳۲۷

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) [تو] از خانه مست (قید) برون تاخته‌ای.

(۲) [من] به هواداری او (گروه قیدی)، ذره‌صفت (قید)، رقص‌کنان (قید) تال ب

چشمه خورشید درخشان (قید) بروم.

(۴) دل بی‌عشق، آهسته‌آهسته (قید) خراب می‌گردد.

[تو] چرخ‌زان (قید) به خلوتگه خورشید رسی. ۴۲۸

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ای چشم و چراغ همه شیرین‌سخنان (مضاف‌الیه) [با تو سخن می‌گویم].

(۲) از صحبت پیمان‌شکنان (مضاف‌الیه) پرهیز کن.

(۳) این همه خونین‌کفنان (نهاد) شهیدان که‌اند؟

۳۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) دهان کسی را دوختن: کنایه از باعث سکوت کسی شدن / پرده‌دری کردن: کنایه از رسوا کردن
- ۲) سر به مهر: معادل کنایه‌های دست‌نخورده و سر بسته است.
- ۴) دل ربودن: کنایه از شیفته و عاشق کردن

۳۵ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) بوی شیر دادن دهان: کنایه از بی‌تجربگی و بچه بودن
- ۲) آب در هاون کوبیدن / ساییدن: کنایه از کار بی‌هوده کردن
- ۴) باد در سر داشتن: کنایه از مغرور بودن

۳۶ رنگ گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۳۷ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۱) سلام خشک: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- ۲) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی
- ۴) صغیر گرم: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی

۳۸ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۱) شعر تر شیرین: شعر تر: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / شعر شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- ۲) ترانه‌های شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- ۳) شنیدن بو: آمیختگی دو حس شنوایی و بویایی / شنیدن رنگ: آمیختگی دو حس شنوایی و بینایی

۳۹ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۲) رنگینی گفتار: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی
- ۳) شیرین سخنی: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی
- ۴) بویی ندیدن: آمیختگی دو حس بویایی و بینایی

۴۰ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۱) ناله سوزنده: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- ۲) دشنام تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- ۴) رنگین سخنان: آمیختگی دو حس بینایی و شنوایی

۴۱ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۱) تلخ نشستن: «تلخی» مربوط به حس چشایی ست و با «نشستن» تناسب ندارد.
- ۳) نرم سخن گفتن: آمیختگی دو حس لامسه و شنوایی
- ۴) تلخ شنیدن: آمیختگی دو حس چشایی و شنوایی

۴۲ آرایه حس آمیزی در سایر گزینه‌ها:

- ۱) زبان چرب (سخن چرب): آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه / سلام خشک: آمیختگی دو حس شنوایی و لامسه
- ۲) سخن تلخ: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی
- ۳) خنده شیرین: آمیختگی دو حس شنوایی و چشایی

۳۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) تشبیه درد عشق (مشبه) به زهر (مشبه‌به)
- ۲) تشبیه معشوق (مشبه) به سرو (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به بستان (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درد (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درمان (مشبه‌به)
- ۴) تشبیه رخسار معشوق (مشبه) به ماه (مشبه‌به) / تشبیه زلف معشوق (مشبه) به شب (مشبه‌به)
- ۳۰ واژه «چون» در این بیت در معنی «چگونه» به کار رفته و ادات تشبیه نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) تشبیه عشق (مشبه) به آتش (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سوزاندگی)
- ۳) تشبیه شب (مشبه) به زلف یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سیاهی) / تشبیه روز (مشبه) به رخ یار (مشبه‌به) (وجه‌شبه: سپیدی)
- ۴) تشبیه رخ یار (مشبه) به خورشید (مشبه‌به) (وجه‌شبه: نورانی بودن)

۳۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) این‌که غم، جامی از خون دلم نوشید و گفت: «این جام را به سلامتی کسی می‌نوشم که در این روزگار شاد است.» تشخیص است.
- ۲) این‌که تصویر خیالی چهره یار سخن بگوید، تشخیص است.
- ۴) مخاطب قرار گرفتن باد صبا و این‌که سلام برساند و سخن بگوید، تشخیص است.

۳۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) نسبت دادن بی‌وفایی و تبسم به گل، هم‌چنین فعل نالیدن به لبل و مخاطب قرار گرفتن لبل، تشخیص به‌شمار می‌رود.
- ۳) این‌که عشق نباید و بر تخت دل بنشیند و عقل از آن تخت برخیزد، پدیدآورنده آرایه تشخیص است.
- ۴) این‌که ابر گریه‌کنان به باغ بیاید، آرایه تشخیص را به‌وجود آورده است.

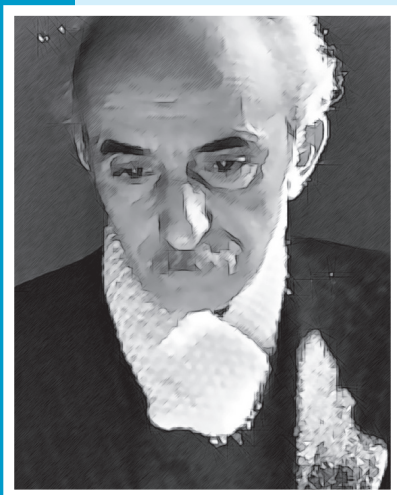
- ۳۳ در این بیت چهار بار آرایه استعاره به کار رفته است؛ «واژگان (عید، بهار، ماه و نگار (به معنی نقش و نگار)) همگی استعاره از معشوق‌اند.

- دقت کنیم! مورد خطاب قرار گرفتن عناصر بی‌جان، تشخیص (جان‌بخشی) به شمار می‌رود، اما در شناسایی تشخیص باید توجه داشت که آن را با استعاره اشتباه نگیریم: ای روزگار (منظور: همان روزگار!): آرایه تشخیص / ای ماه من (منظور: معشوق): آرایه استعاره

- در گزینه (۳)، در حقیقت، شاعر با یک انسان (یار) گفت‌وگو می‌کند و تشخیص وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) مورد خطاب قرار گرفتن روزگار و نیز این‌که روزگار بتواند فکری به حال خودش کند، بیانگر آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است.
- ۲) خندیدن گل نشان‌دهنده آرایه تشخیص (جان‌بخشی) است، مخصوصاً این‌که با صدای بلند هم بخندد!
- ۴) ایستادن ابر و باران برای وداع و گریستن ابر، حاکی از وجود آرایه تشخیص (جان‌بخشی) در بیت است.



علی اسفندیاری (نیما یوشیج)

۱۳۳۸ - ۱۲۷۴

شاعر، نویسنده، پژوهشگر

پدر شعر نو فارسی

آرامگاه: امامزاده عبدالله تهران، سپس

حیات منزل شخصی اش در یوش

سعی کنید همان طور که می بینید بنویسید و سعی کنید
شعر شما نشانی واضح تر از شما بدهد... اگر از پی کار
تازه و کلمات تازه‌اید، لحظه‌ای در خود عمیق شده، فکر
کنید آیا چه طور دیده‌اید؟

گزیده آثار:

مجموعه‌ی اشعار:

قصه‌ی رنگ پریده - منظومه‌ی نیما - خانواده‌ی سرباز - ای شب - افسانه - مانلی - ماخ اول - شعر من - شهر شب و شهر صبح - ناقوس قلم انداز
فریادهای دیگر و عنکبوت رنگ - آب در خوابگاه مورچگان - مانلی و خانه سریویلی - آهو و پرنده‌ها (ویژه‌ی کودکان) - توکایی در قفس (ویژه‌ی کودکان)

داستان‌ها:

مرقد آقا - کندوهای شکسته

پژوهش‌ها و یادداشت‌ها:

ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان - تعریف و تبصره - حرف‌های همسایه - شعر چیست؟ - از یک مقدمه - یک مصاحبه - یک دیدار

معنی درست واژه‌ها: ۲/۹۴۲

نژد: اندوهگین، افسرده، پژمرده، سرگشته
ادبار: پشت‌کردن، بدبختی
دَعَل: حيله‌گر، ناراست، مکار

دون: پست، سفله، فرومایه، خسیس

معنی درست واژه‌ها: ۳/۹۴۳

حمیت: مرّوت، جوانمردی، غیرت، رشک
زَنخدان: چانه

قوت: غذا، خوراک (قوت: توان، نیرو)

اقبال: روی آوردن، خوشبختی

معنی درست واژه‌ها: ۴/۹۴۴

نژد: اندوهگین، افسرده، پژمرده، سرگشته

معنی درست واژه‌ها: ۲/۹۴۵

زَنخدان: چانه

حمیت: ۱- مروت، جوانمردی ۲- غیرت، رشک

توفیق: ۱- موافق‌گردانیدن ۲- مددکردن ۳- دست‌یافتن

واژه «سیر» در این گزینه در معنی «نوعی گیاه» به کار رفته است

و در بیت سؤال و سایر گزینه‌ها در معنی «متضاد گرسنه».

۱/۹۴۷ فعل «شدن» در این گزینه در معنی «رفتن» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «اسنادی».

۲/۹۴۸ فعل «شدن» در این گزینه در معنی «رفتن» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «اسنادی».

۳/۹۴۹ فعل «شدن» در این گزینه در معنی «رفتن» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «اسنادی».

۴/۹۵۰ واژه «ماه» در این گزینه در معنی «ماه سی‌روزه» به کار رفته است

و در سایر گزینه‌ها در معنی «قمر».

۲/۹۵۱ واژه «ماه» در این گزینه در معنی «ماه سی‌روزه» به کار رفته است

و در سایر گزینه‌ها در معنی «قمر».

۳/۹۵۲ واژه «چون» در این گزینه در معنی «چگونه» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «مانند».

۲/۹۵۳ واژه «چون» در این گزینه در معنی «چگونه» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «مانند».

۳/۹۵۴ واژه «تند» در این گزینه در معنی «سریع» به کار رفته است و در

سایر گزینه‌ها در معنی «خشمگین».

۳/۹۵۵ واژه «جستن» در این گزینه با تلفظ «جستن» و در معنی «یافتن»

به کار رفته است و در سایر گزینه‌ها با تلفظ «جستن» در معنی «رها شدن».

۲/۹۵۶ واژه «گران» در این گزینه در معنی «قیمتی» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «سنگین».

۳/۹۵۷ واژه «گران» در این گزینه در معنی «قیمتی» به کار رفته است و

در سایر گزینه‌ها در معنی «سنگین».

۴/۹۵۸ املای درست واژه: حلاوت: شیرینی، شیرین بودن

۴/۹۵۹ املای درست واژه: حمیت: مرّوت، مردانگی، غیرت

۲/۹۶۰ املای درست واژه: عار: ننگ، رسوایی

۴/۹۶۱ املای درست واژه: حلاوت: شیرینی

۱/۹۶۲ املای درست واژه: دغل: مکر، حيله

۲/۹۶۳ املای درست واژه‌ها:

عار: ننگ، رسوایی

قرین: هم‌نشین

۲/۹۶۴ املای درست واژه‌ها:

ضایع: تباه

حمیت: ۱- مرّوت، جوانمردی ۲- عزّت، رشک

۲/۹۶۵ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دگر کس

۳) دگر روز

۴) دگر روز

۲/۹۶۶ در این بیت واژه «عهد» به معنی پیمان تکرار شده است.

آرایه جناس تام در سایر گزینه‌ها:

۱) باد (فعل دعایی)، باد (جریان هوا)

۳) روان (روح)، روان (جاری)

۴) گور (قبر)، گور (گورخر)

۴/۹۶۷ واژه «چنگ» در هر دو مصراع به معنای ابزار موسیقی است و

جناس تام ندارد.

آرایه جناس تام در سایر گزینه‌ها:

۱) تنگ (متضاد فراخ)، تنگ (یک لنگه از بار)

۲) نای (نی)، نای (نام قلعه و زندانی که مسعود سعد در آن زندانی بود).

۳) داد (حق)، داد (بن ماضی فعل)

۴/۹۶۸ واژه «زاد» در هر دو مصراع، فعل از مصدر «زادن» است و جناس

تام ندارد.

آرایه جناس تام در سایر گزینه‌ها:

۱) چنگ (سرپنجه)، چنگ (از ابزار موسیقی)

۲) تار (دانه مو)، تار (تاریک)

۳) مدام (همواره، همیشه)، مدام (شراب)

۳/۹۶۹ واژه «چون» در گزینه (۳) به معنی «چگونه» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه درد عشق (مشبه) به زهر (مشبه‌به)

۲) تشبیه معشوق (مشبه) به سرو (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به

بستان (مشبه‌به) / تشبیه معشوق (مشبه) به درد (مشبه‌به) / تشبیه معشوق

(مشبه) به درمان (مشبه‌به)

۴) تشبیه رخسار معشوق (مشبه) به ماه (مشبه‌به) / تشبیه زلف معشوق

(مشبه) به شب (مشبه‌به)

۳) تشبیه: الف «م» (من) در «مرا» (مشبّه) چون (ادات تشبیه) غنچه (مشبّه) (وجه‌شبهه: در مهدِ امان بودن) / ب) اضافه تشبیهی: مهد امان: تشبیه امان (مشبّه) به مهد (مشبّه) (وجه‌شبهه: نگهداری کردن)

ج) [من] (مشبّه) چون (ادات تشبیه) گل (مشبّه) (وجه‌شبهه: از بیهوده‌خندی، فرصت بر باد رفتن) / کنایه: بر باد رفتن کنایه از نابودشدن
 تشبیه: - / کنایه: از دست رفتن کنایه از نابودشدن

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه (اضافه تشبیهی): بحر پرآشوب جهان: تشبیه جهان (مشبّه) به بحر (مشبّه) / کنایه: دست شستن از ... کنایه از رها کردن ... قطع تعلق کردن از ...
 ۳) تشبیه: تشبیه خود [حافظ] (مشبّه) به حضرت سلیمان (ع) (مشبّه) / کنایه: باد در دست بودن کنایه از بی‌حاصلی

۴) تشبیه (اضافه تشبیهی): مشک معنی: تشبیه معنی (مشبّه) به مشک (مشبّه) / کنایه: دست در دامن ... زدن کنایه از متوسل شدن به ...
 تشبیه: - / کنایه: در پای کسی افتادن کنایه از اظهار خاکساری و

تسلیم شدن / دامن کسی را گرفتن کنایه از متوسل شدن به کسی / دست و پاگم کردن کنایه از پریشان شدن

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه: آتش عشق: تشبیه عشق (مشبّه) به آتش (مشبّه) / کنایه: گرد برآوردن کنایه از نابودکردن
 ۲) تشبیه: تشبیه خود (مشبّه) به غنچه (مشبّه) / کنایه: دل بستن کنایه از تعلق خاطر داشتن / جامه دریدن کنایه از بی‌تابی و بی‌قراری کردن
 ۴) تشبیه: تشبیه عمر خود (مشبّه) به عمر گل (مشبّه) / کنایه: بر باد رفتن کنایه از نابود شدن

۲) فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

۳) بهارستان: جامی

۱) بوستان منظوم، بهارستان منثور و فرهاد و شیرین منظوم است.
 ۳) مفهوم گزینه (۳): خوار و ذلیل بودن در برابر معشوق از هر عرتی (در نظر دیگران) برتر است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: همه تغییرات در پدیده‌های جهان به اراده خدا و همه کم و زیاد شدن‌ها به‌دست خداست.

۴) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): عامل حقیقی سربلندی‌ها و سرنگونی‌ها، اراده خداوند است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) روزی‌رسانی خداوند

۲) ناتوانی انسان از درک و شناخت خداوند

۳) روی‌گردانی از درگاه خدا موجب خواری و درماندگی است.

۳) مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): دعوت به تلاش و تکاپو

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) نکوهش سرکشی و آزار

۲) خلوت‌گزیدن، مایه آسایش است.

۴) آب که از سرگذشت، چه یک وجب، چه صد وجب.

۴) لب (مشبّه) در شکفتن (وجه‌شبهه) به لاله سیراب (مشبّه) ماند (ادات تشبیه) / دل (مشبّه) در بی‌قراری (وجه‌شبهه) به چشمه مهتاب (مشبّه) ماند (ادات تشبیه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه قامت (مشبّه) به سرو (مشبّه) (وجه‌شبهه: بلندی و راستی)
 ۲) دل (مشبّه) عشاق چو (ادات تشبیه) گوی (مشبّه) (پشت عشاق (مشبّه) چون (ادات تشبیه) چوگان (مشبّه) (زندان یار (مشبّه) چو (ادات تشبیه) گوی (مشبّه) (و زلف یار (مشبّه) چون (ادات تشبیه) چوگان (مشبّه) است.
 ۳) لب لعل: تشبیه لب (مشبّه) به لعل (مشبّه) (وجه‌شبهه: درخشندگی و آبدار بودن)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) بوی شیر دادن دهان: کنایه از بی‌تجربگی و کم سن و سالی و کودکانه رفتارکردن

۲) آب در هاون کوبیدن / ساییدن: کنایه از کار بیهوده کردن

۴) باد در سر داشتن: کنایه از مغرور بودن

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) آب از سر گذشتن: کنایه از گرفتار شدن
 ۲) خم به ابرو نیاوردن: کنایه از کمال بی‌اعتنایی و بی‌توجهی
 ۴) حساب پاک کردن: کنایه از انتقام گرفتن / سنگدل: کنایه از بی‌رحم
 کنایه: دل به ... بستن کنایه از شیفته شدن ... تشبیه: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) کنایه: بر باد دادن ... کنایه از نابود کردن ... / تشبیه: تشبیه خود [شاعر] (مشبّه) به گرد (مشبّه)

۲) کنایه: پرده دریدن کنایه از آشکار ساختن و رسوا کردن / تشبیه (اضافه تشبیهی): پرده پندار: تشبیه پندار (مشبّه) به پرده (مشبّه)

۴) کنایه: دست از ... کوتاه کردن کنایه از قطع تعلق کردن از ... / تشبیه: تشبیه تو [مخاطب] (مشبّه) به خواجه (مشبّه)

۴) تشبیه (اضافه تشبیهی): سیلاب غم: تشبیه غم (مشبّه) به سیلاب (مشبّه) / جناس تام: «دوش» در مصراع اول (دیشب) / «دوش» در مصراع دوم (کتف)

۴) تشبیه: - / کنایه: خون کسی را ریختن به معنی کشتن و کنایه از آزار دادن بسیار / ابرو خم نکردن کنایه از به هیچ وجه آزردن نشدن و به موانع موجود اهمّیت ندادن

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) تشبیه: هرکس (مشبّه) چون (ادات تشبیه) کوه (مشبّه) (وجه‌شبهه: در زیر تیغ پا فشردن) / کنایه: پا فشردن کنایه از ایستادگی کردن

۲) تشبیه: [من] (شاعر) (مشبّه) چون (ادات تشبیه) فرهاد (مشبّه) (وجه‌شبهه: با شیرین درافتادن و لزوم دست از جان شستن) / کنایه: دست از چیزی شستن کنایه از قطع تعلق کردن از آن



محمدعلی جمالزاده

۱۳۷۶ - ۱۲۷۴

نویسنده، پژوهشگر، مترجم
پدر داستان‌نویسی معاصر فارسی
آرامگاه: سوئیس، شهر ژنو

به مرور زمان که کلمات و تعبیرات و غیره از میان می‌رود و کلمات و تعبیرات تازه به میان می‌آید، کتاب، رمان و قصه بهترین گنج خواهد بود برای زبان.

گزیده آثار:

تاریخ و ادبیات:

گنج شایگان - تاریخ روابط روس با ایران - پندنامه‌ی سعدی یا گلستان یک‌بخشی - قصه‌ی قصه‌ها - بانگ نای - فرهنگ لغات عوامانه
طریقه‌ی نویسندگی و داستان‌سرایی - اندک آشنایی با حافظ

داستان‌ها:

یکی بود، یکی نبود - سر و ته یک کرباس - دارالمجانین - زمین، اریاب، دهقان - صندوقچه‌ی اسرار - تلخ و شیرین - فارسی شکر است - راه آب‌نامه
قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار - قصه‌ی ما به سر رسید - قلشن دیوان - صحرای محشر - هزار پیشه - معصومه شیرازی - هفت کشور
قصه‌های کوتاه قنبرعلی - شاهکار - کهنه و نو - یاد و یادبود - قیصر و ایلی کالیگولا اطورروم - غیر از خدا هیچ کس نبود - شورآباد - خاک و آدم
آسمان و ریسمان - مرکب محو

ترجمه‌ها:

قهوه‌خانه سورات یا جنگ هفتاد و دو ملت (برنارد دوسن پیر) - ویلهلم تل (شیلر) - داستان بشر (هندریک وان لون) - دون کارلوس (مولیر)
حسیس (مولیر) - دشمن ملت (ایسن) - قنبرعلی جوان‌مرد شیراز (آرتور کنت دو گوپینو) - سیر و سیاحت در ترکستان و ایران (هانری موزر)
جنگ ترکمن (آرتور کنت دو گوپینو)

۳ | ۱۷۷۳ | معنی درست واژه‌ها:

فایق: برگزیده، برتر (باسق: بلند) / صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / تضرّع: زاری کردن، التماس کردن / اعراض: روی برگرداندن

۲ | ۱۷۷۴ | معنی درست واژه‌ها:

مّمّد: یاری‌رساننده، مددکننده / قدوم: آمدن، قدم نهادن / فایق: برتر، برگزیده (باسق: بلند) / تتّمّه: باقی‌مانده

۲ | ۱۷۷۵ | معنی درست واژه‌ها:

صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / نسیم: در درس به معنی «خوش‌بو» / وسیم: دارای نشان پیامبری / دُجّی: تاریکی‌ها (دجاجة: مرغ!) / حلیه: زیور، زینت

۳ | ۱۷۷۶ | معنی درست واژه‌ها:

إعراض: روی برگرداندن (أعراض: جمع عَرَض: امور ظاهری) / انابت: توبه، بازگشتن به سوی خدا / تتّمّه: باقی‌مانده / فایق: برتر، برگزیده / مّفخر: مایه ناز و بزرگی، آن‌چه به آن افتخار کنند و بنازند.

۱ | ۱۷۷۷ | معنی درست واژه‌ها:

شکور: سپاس‌گزار، بسیار شکرکننده / ربیع: بهار / قدوم: آمدن، قدم نهادن / باسق: بلند (فایق: برتر، برگزیده / فاسق: گناه‌کار) / تضرّع: زاری کردن، التماس کردن (متضرّع: التماس‌کننده)

۴ | ۱۷۷۸ | معنی درست واژه‌ها:

حلیه: زیور، زینت / عاکف: کسی که در مدّتی معین در مسجد بماند و به عبادت بپردازد. / مُنکّر: زشت، ناپسند

۱ | ۱۷۷۹ | معنی درست واژه‌ها:

اعراض: روی برگرداندن

۱ | ۱۷۸۰ | معنی درست واژه‌ها:

انابت: توبه، بازگشت به سوی خدا

۲ | ۱۷۸۱ | «کرامت» در لغت به معنی «بزرگواری» و در اصطلاح صوفیه، امور

خارق‌العاده‌ایست که به سبب عنایت خداوند از صوفی کامل و واصل صادر می‌شود، مانند اخبار غیبی و اشراف بر ضمایر. در گزینه (۲) کرامت کردن در

معنی بخشیدن به کار رفته و در سایر گزینه‌ها کاربرد عرفانی دارد.

۲ | ۱۷۸۲ | املاي درست واژه‌ها:

بط: مرغابی

۴ | ۱۷۸۳ | املاي درست واژه‌ها:

(۱) ثنا: ستایش، سپاس

(۲) شبه: مانند، مثل، همسان

(۳) فاحش: آشکار

۳ | ۱۷۸۴ | املاي درست واژه‌ها:

(۱) صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز

(۲) تقصیر: کوتاهی کردن، کوتاهی، گناه

(۴) تحفه: هدیه، ارمغان

۴ | ۱۷۸۵ | املاي درست واژه‌ها:

(۱) صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز

(۲) ناموس: آبرو، شرف

(۳) حلیه: زینت، زیور

۲ | ۱۷۸۶ | املاي درست واژه‌ها:

(۱) رزق: روزی

(۳) تضرّع: زاری کردن، التماس کردن

(۴) بحر: دریا

۴ | ۱۷۸۷ | املاي درست واژه‌ها:

فروگذاردن: مضایقه کردن، اهمال کردن، رها کردن، ترک کردن (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن)

۳ | ۱۷۸۸ | املاي درست واژه‌ها:

منسوب: نسبت داده‌شده (منسوب: گماشته‌شده)

۴ | ۱۷۸۹ | املاي درست واژه‌ها:

تضرّع: زاری کردن، التماس کردن

۲ | ۱۷۹۰ | املاي درست واژه‌ها:

صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / نصاب: اصل و رأس

۴ | ۱۷۹۱ | املاي درست واژه‌ها:

ثنا: ستایش، سپاس

۲ | ۱۷۹۲ | املاي درست واژه‌ها:

منسوب کردن: نسبت دادن (منسوب کردن: گماشتن کسی به کاری) / بحر:

دریا (بهر: بهره، قسمت، نصیب)

۴ | ۱۷۹۳ | املاي درست واژه‌ها:

منسوب: نسبت داده‌شده (منسوب: گماشته‌شده) / گزاردن [شکر]: به‌جا

آوردن، ادا کردن (گذاردن: نهادن، قرار دادن) / کارگزار: عامل، انجام‌دهنده کار /

فروگذارشتن: رها کردن، سستی و کوتاهی

۲ | ۱۷۹۴ | املاي درست واژه‌ها:

صفوت: برگزیده و خالص از هر چیز / اوهام: گمان‌ها، جمعِ وهم

۱ | ۱۷۹۵ | املاي درست واژه‌ها:

حلیت (حلیه): زیور، زینت

۱ | ۱۷۹۶ | املاي درست واژه‌ها:

تضرّع: التماس کردن، زاری کردن

۴ | ۱۷۹۷ | املاي درست واژه‌ها:

قربت: نزدیکی (غربت: تنهایی، دوری از وطن)

۱ | ۱۷۹۸ | املاي درست واژه‌ها:

حیات: زندگی (حیاط: محوطه جلوی خانه)

به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم که] دانم که تا ز چشم پرفتی / به

چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم

۱۱۸۰۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن / که پیش طایفه‌ای مرگ به که (از) بیماری است]

۳) چشمی که جمال تو ندیده‌ست چه دیده‌ست / افسوس [می‌خورم] بر اینان که به غفلت گذرانند

۴) به دوستی [سوگند می‌خورم] که ز دست تو ضربت شمشیر / چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

۱۱۸۰۱ بفرمود گنجینه گوهرش / فشانند در پای و زر بر سرش [فشانند]

۲۱۱۸۰۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) گوشم به راه [بود] تا که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب‌خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
۳) رسید ناله سعدی به هر که در آفاق [بود] / هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید
۴) هر که سودای تو دارد چه غم [است] از هر دو جهانش / نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش [است] (که البته «است» در این موارد اسنادی نیست، بلکه تأویل می‌شود به فعل «داشتن»، گذرا به مفعول)

۱۱۱۸۰۳ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) که یارب [از تو می‌خواهم] بر این بنده بخشایشی [کن] / کز او دیده‌ام وقتی آسایشی

۳) یکی شخص از این جمله در سایه‌ای [بود] / به گردن بر از حله پیرایه‌ای [داشت]
۴) بداندیش را جاه و فرصت مده / عدو در چه [باشد] و دیو در شیشه [باشد] به [است]

۱۱۱۸۰۴ حذف به قرینه معنوی در گزینه‌ها:

۲) فروغ رای تو مصباح راه‌های مخوف [است]. / عنان عزم تو مفتاح ملک‌های حصین [است].

۳) ابر رحمت بر تو باران [بازنده] [است] روح راحت بر روان والدین
۴) بخت را با دوستانات اتفاق [است]. / چرخ را با دشمنان حرب حنین [است].

۱۱۱۸۰۵ در این گزینه می‌توان حذف را به «قرینه لفظی» دانست: از مقامات تا ثریا هم چنان [است] که از ثریا تا ثری فرق و بین (جدایی) است.

حذف به قرینه معنوی در سایر گزینه‌ها:

۱) آسمان در زیر پای همّت فرقدین [را] بر زمین مالنده [است].
۲) ای [کسی که] محافل را به دیدار تو زین [است] طاعتت بر هوشمندان فرض عین (واجب) [است].

۳) ای [کسی که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [است] یا [شده است] / نیک‌نامی [ات] منتشر در خافقین [است] یا [شده است].

۱۱۱۸۰۶ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) حذف فعل: پیراهن برگ بر درختان چون جامه عید نیک‌بختان [است]
۳) حذف فعل و علامت تفضیل: اسب تازی اگر ضعیف بود همچنان از

طویل‌ه‌ای خر به [تر است]

۴) حذف فعل: زبان در دهان ای خردمند چیست؟ کلید در گنج صاحب هنر [است]

۳۱۸۰۷ به دو چشم تو [سوگند می‌خورم]

۱۱۱۸۰۸ بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) می‌خوری به [تر است] که روی طاعت بی‌درد کنی / اندکی درد به [تر است] از طاعت بسیار مرا

۳) من ای صبا [یا تو ام] ره رفتن به کوی دوست ندانم / تو می‌روی به سلامت [بروی] سلام من برسانی

۴) شکر خدا [را می‌کنم] که خصم ترا بر جگر نشست / آن تیرها که خواست ترا بر سپر زند

۱۱۱۸۰۹ در گزینه (۱) حذف به قرینه «لفظی» دیده می‌شود: ز آن روی

زلف تو] از فرق تا قدم بسته دارم.

۲) ای [کسی که] پشت من ز عشق تو چون ابروی تو کوژ [است]. وی [کسی که] [که] بخت من ز یمن تو چون چشم تو دژم [است]

۳) ای [کسی که] در خجالت رخ و زلف تو [اند] روز و شب. وی [کسی که] در حمایت لب و چشم تو [اند] شاهد و سم

۴) ای [کسی که] در دلم خیال تو شکی به از یقین [است]. وی [کسی که] در سخن لب تو وجودی کم از عدم [است]

۳۱۸۱۰ بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نه آگاهی [است] از این گشتن فلک را

۲) پرتو نور تو نور آسمان [است].

۴) ای [که] کمال نیک‌مردی بر تو ختم [شده است] نیک‌نامی در خافقین منتشر [شده است].

۲۱۸۱۱ بررسی گزینه (۲): حذف فعل به قرینه لفظی: دیده زمزم او گشت و دل مقام خلیل [گشت].

بررسی سایر گزینه‌ها:

در سایر گزینه‌ها فعل به قرینه معنوی حذف شده است.

۳۱۸۱۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): بی‌خبری عاشقانه در اثر درک یا مشاهده جلوه معشوق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) جلوه‌گری معشوق موجب گرایش و سوز و گداز عاشق است.

۲) عاشقی ظرفیت و لیاقت می‌خواهد. / بی‌اختیار بودن عشق

۴) گله از معشوق به علت انتخاب نکردن هم‌نشینان مناسب برای خود

۱۱۱۸۱۳ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): بی‌خبری عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲) وصف بی‌رحمی معشوق

۳) رسوایی عاشقانه

۴) فتنه‌انگیزی زیبایی یار

۱۱۱۸۱۴ مفهوم گزینه (۱): بی‌خبری و خاموشی عارفانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) طلب عشق و شور عاشقانه

(۳) رنج غربت / غربت موجب سرگستگی است.

(۴) تظاهر به بی‌خبری با وجود خبردار بودن از معشوق

دقت کنیم! برای رفع خطای سؤال و انتخاب پاسخ، با تأکید بر «افکندن»، مفهوم را تظاهر به بی‌خبری و موضوع شعر را صرفاً عاشقانه در نظر گرفتیم؛ در حالی که بیت، می‌تواند عرفانی و مصداق همان بی‌خبری عارفانه باشد! به هر صورت، قطعاً «خبری آمد و از بی‌خبرانم کردند» در گزینه (۱)، به ظاهر بی‌نیی طراح نزدیک‌تر است.

در بیت سؤال هم، واژه‌های «دارد» و «او» جابه‌جا شده‌اند که در کنکور اصلاً بی‌سابقه نیست!

۴ ۱۸۱۵ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): عجز عقل انسان‌ها، حتی

عرفا از درک صفات خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) سرگستگی و حیرت

(۲) نجات دهنده بودن وجود ممدوح

(۳) بسنده کردن به زیبایی و لذت مجازی و کم‌ارزش، هنگام بی‌بهرگی از زیبایی و لذت حقیقی و ارزشمند

۱ ۱۸۱۶ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۱): بی‌خبری و رازداری عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) افشای راز عشق موجب گمراه شدن عوام است.

(۳) عشق، وادی امانت و هدایت است.

(۴) توجه همه جانبه به معشوق و بی‌توجهی به لذت‌های حقیر

۱ ۱۸۱۷ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۱): بی‌دریغ بودن روزی‌رسانی

خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۲) لزوم گرامی داشتن مهمان / مهمان، روزی خود را می‌خورد.

(۳) ناپایداری عمر

(۴) ستایش ممدوح

دقت کنیم! گزینه (۲) هم به‌طور ضمنی به روزی‌رسانی خداوند اشاره دارد، گرچه حرفی از «گسترده‌گی و بی‌دریغ بودن آن» نیست.

۳ ۱۸۱۸ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): بی‌خبری عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) گله از جور معشوق

(۲) میل به سرمستی

(۴) حال عاشق را تنها عاشق می‌فهمد.

۲ ۱۸۱۹ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): بی‌خبری و از خود

بی‌خودی عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) استقامت و پایداری در راه عشق

(۳) بازگشت به اصل

(۴) عشق موجب سرخوشی است.

۱ ۱۸۲۰ مفهوم گزینه (۱): اغراق در کوچکی دهان یار

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: وصف‌ناپذیری عشق و معشوق

۲ ۱۸۲۱ ترجمه آیه شریفه: «هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هر که را

بخواهی، خوار می‌گردانی.»

مفهوم گزینه (۲): نکوهش خرسندی از گرفتاری دیگران

مفهوم مشترک آیه شریفه و سایر گزینه‌ها: عزت و ذلت در دست خداوند

است. / سررشته همه امور در دست خداست.

۳ ۱۸۲۲ مفهوم گزینه (۳): یگانگی خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها: ناتوانی و عجز انسان از درک خداوند

۲ ۱۸۲۳ معنی آیه شریفه: «هرکه را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکه را بخواهی،

خوار می‌گردانی.»

مفهوم گزینه (۲): روزی خداوند، گسترده و فراگیر است.

مفهوم مشترک آیه شریفه و سایر گزینه‌ها: عزت و ذلت در دست خداوند است.

۲ ۱۸۲۴ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): بخشندگی بی‌دریغ خداوند

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) امیدوار نبودن به بخشش انسان‌های حقیر

(۳) پرهیز از طمع ورزیدن / ترک طمع موجب آرامش است.

(۴) این بیت وصف کسی‌ست که از عشق بهره‌ای نبرده و از آن تجربه‌ای ندارد.

۴ ۱۸۲۵ مفهوم مشترک بیت سؤال و بیت‌های گزینه (۴): کسی که تو

پشتیبانش باشی، هیچ نگرانی‌ای ندارد. این بیت با بیت‌های «الف - ب - ه -

ز» هم‌مفهوم است و با بیت «د» هم بی‌مناسبت نیست.

مفهوم سایر ابیات:

(ج) وفاداری عاشق

(و) بی‌تعلقی به دنیا

۲ ۱۸۲۶ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): آگاهی از حقایق موجب

سکوت است (رازداری عارفانه).

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ازلی بودن عشق

(۳) وصال معشوق، وسیله و واسطه لازم ندارد.

(۴) ترک همه‌چیز برای رسیدن به معشوق (عاشق در راه وصال، خودش را نیز

از میان برمی‌دارد).

۱ ۱۸۲۷ مفهوم گزینه (۱): وجود عاشق از معشوق لبریز است.

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: هرکه تو پشتیبانش باشی، هیچ

نگرانی‌ای ندارد.



محمد معین

۱۳۵۰ - ۱۲۹۷

ادیب، لغت‌شناس، پژوهشگر، مترجم
آرامگاه: آستانه‌ی اشرفیه

املا:

(۱) [ع.]

- ۱- (مص م.) پر کردن.
- ۲- مطلبی را بیان کردن تا دیگری بنویسد.
- ۳- (۱ مص.) درست نویسی، رسم الخط.
- ۴- دیکته

گزیده‌ی آثار:

تألیفات:

فرهنگ فارسی معین - حافظ شیرین سخن - یک قطعه شعر در پارسی باستان - یوست فریان و مرزبان‌نامه - شاهان کیانی و هخامنشی در آثارالباقیه - ارداویراف‌نامه روزشماری در ایران باستان و آثار آن در ادبیات پارسی - شماره‌ی هفت و هفت‌پیکر نظامی - حکمت اشراق و فرهنگ ایران - مفرد و جمع اسم مصدر، حاصل مصدر - امیر خسرو دهلوی - برگزیده‌ی نثر فارسی - آیین‌ی سکندر - هورقلیا - لغات فارسی ابن‌سینا - ستاره‌ی ناهید یا داستان خرداد و امرداد

تصحیح کتب:

علم برین، دانش‌نامه‌ی علایی، تألیف ابن‌سینا - چهارمقاله تألیف نظامی عروضی - مجموعه اشعار دهخدا - جامع‌الحکمتین تألیف ناصرخسرو - شرح قصیده‌ی ابوالهیثم برهان قاطع تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی - جوامع‌الحکایات، تألیف سدیدالدین محمد عوفی - عبهر العاشقین تألیف روزبهان بقلی شیرازی

ترجمه‌ها:

روان‌شناسی تربیتی، ترجمه از «علم‌النفس و آثاره فی التربیه و التعلیم»، تألیف علی‌الجارم و مصطفی‌امین - کتبی‌های پهلوی، تألیف و. ب. هنینگ (W.B.Hening) «خسرو کواتان و دیدک وی» ترجمه از پهلوی - «ایران»، تألیف دکتر ر. گبرشمن

مقاله‌ها:

بیش از ۲۰۰ مقاله در زمینه‌های ادبیات، تاریخ ادیان، ایران قبل از اسلام و دوران اسلامی، تاریخ ادبیات، آثار باستانی و علوم اجتماعی و تربیتی

۲۳۷۸۸ املای درست واژه‌ها:

سهو: خطا، فراموشی؛ غفلت

زَلت: لغزش، گناه (ذَلت: خواری)

۲۳۷۸۹ املای درست واژه‌ها:

(الف) خذلان: خواری

(د) سمن: یاسمن (ثمن: بها)

۲۳۷۹۰ املای درست واژه:

سورت: تندى و تیزی؛ حدّت و شدّت

۳۳۷۹۱ املای درست واژه‌ها:

(ب) صلاح: خیر، نیکی (سلاح: جنگ‌افزار) / (ج) ثنا: ستایش

۴۳۷۹۲ املای درست واژه:

زُلال: روان و جاری (ضلال: گمراهی)

۴۳۷۹۳ املای درست واژه:

ثنا: ستایش (سنا: روشنائی)

۴۳۷۹۴ املای درست واژه:

قیاس: اندازه گرفتن، سنجیدن

۳۳۷۹۵ املای درست واژه:

مظاهرت: پشتیبانی

۱۳۷۹۶ املای درست واژه:

ضال: گمراه

۳۳۷۹۷ املای درست واژه‌ها:

(الف) مخذول: خوار، زبون گردیده / (ب) طباع: سرشت‌ها، خوی‌ها

۴۳۷۹۸ املای درست واژه:

فراق: دوری، هجران (فراغ: آسایش)

۳۳۷۹۹ املای درست واژه‌ها:

ثقت: اطمینان و اعتماد / گزاردن (حق): به جا آوردن، ادا کردن (گزاردن: قرار

دادن، نهادن) / صولت: غلبه، وقار

۳۳۸۰۰ املای درست واژه در سایر گزینه‌ها:

(۱) حذر: پرهیز، دوری کردن

(۲) ضلال: گمراهی

(۴) سمین: چاق، فربه

۲۳۸۰۱ املای درست واژه:

تأمل: فکر کردن، اندیشه کردن، درنگ کردن (تعمّل: خود را در کاری به زحمت

انداختن)

۲۳۸۰۲ املای درست واژه:

معونت: یاری

۲۳۸۰۳ املای درست واژه‌ها:

قوی‌رای: آن‌که رأی و اندیشه درست و نیرومند دارد. (غوی: گمراه) / گزاردن:

رها کردن، ترک کردن، اجازه دادن (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن)

۲۳۸۰۴ املای درست واژه:

فصاحت: زبان‌آوری، روانی کلام (فسحت: گشادگی خاطر)

۲۳۸۰۵ املای درست واژه‌ها:

سهو: لغزش، غفلت / زَلت: لغزش، خطا

۱۳۸۰۶ املای درست واژه:

تبع: پیرو

۳۳۸۰۷ املای درست واژه:

اهتمام: همّت کردن

۳۳۸۰۸ املای درست واژه:

عزیمت: قصدکردن، آهنگ‌کردن، دل بر کاری نهادن

۳۳۸۰۹ املای درست واژه‌ها:

معونت: یاری دادن، یاری کردن (مئونت / مؤونت: هزینه) / گزاردن: رها کردن،

ترک کردن (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن)

۱۳۸۱۰ املای درست واژه:

مذموم: زشت، نکوهیده، مذمّت شده (مضموم: پیوسته)

۱۳۸۱۱ املای درست واژه:

صورت: ظاهر (سورت: تندى و تیزی، حدّت و شدّت)

۱۳۸۱۲ املای درست واژه:

وزر: بزه، گناه، سنگینی، بار سنگین

۳۳۸۱۳ املای درست واژه:

قدر: ارزش، اندازه (غدر: خیانت، مکر، حيله)

۱۳۸۱۴ املای درست واژه‌ها:

گزاردن: رها کردن، ترک کردن (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن) / نقض:

شکستن، باطل کردن (نغز: خوب، خوش، نیکو)

۲۳۸۱۵ املای درست واژه‌ها:

حلاوت: شیرینی / غربت: ناآشنایی (قربت: نزدیک بودن)

۴۳۸۱۶ املای درست واژه:

فرو گزاردن: ۱- مضایقه کردن، اهمال کردن ۲- رها کردن، ترک کردن (گزاردن:

به جا آوردن، ادا کردن)

۱۳۸۱۷ املای درست واژه:

گزاردن [شکر]: به جا آوردن (گزاردن: قرار دادن، نهادن)

۲۳۸۱۸ املای درست واژه‌ها:

زَلت: خطا، لغزش (ذَلت: خواری، پستی) / منسوب: نسبت داده شده (منسوب:

گماشته شده)

۱۳۸۱۹ املای درست واژه:

تأمل: اندیشه کردن، فکر کردن، درنگ کردن (تعمّل: خود را در کاری به زحمت

انداختن)

۱۳۸۲۰ املای درست واژه:

ضلال: گمراهی (ضلال: جمع ظل: سایه‌ها)

۱۳۸۲۱ املای درست واژه:

زَلت: خطا و لغزش (ذَلت: خواری، پستی)



محمد رضا شفیعی کدکنی

(م. سرشک)

۱۳۱۸ - حیات پر برکت ایشان ادامه دارد.

ادیب، شاعر، نویسنده، پژوهشگر،

مترجم، استاد دانشگاه

من نمی‌دانم این فرهنگ یا تلقی یا برداشت از کجا آمده
است که شاعر و هنرمند باید شلخته و بی‌نظم باشد ...
شما نگاه کنید امثال تی. اس. الیوت، پل والرئ، ریلکه، ...
این‌ها بزرگان شعر جهان هستند و من زندگی و آثار
هممی این‌ها را مطالعه کرده‌ام ... مانند یک ساعت منظم
بودند و شبیه یک مدیر وزارتخانه برای هر دقیقه‌شان
برنامه داشتند.

گزیده آثار:

مجموعه‌ی اشعار:

زمزمه‌ها - شب‌خوانی - از زبان برگ - در کوچه‌باغ‌های نیشابور - بوی جوی مولیان - از بودن - سرودن - مثل درخت در شب باران - هزاره‌ی دوم

آهوی کوهی

آثار پژوهشی:

صور خیال در شعر فارسی - موسیقی شعر - مفلس کیمیا فروش - زیور پارسی - تازیانه‌های سلوک - در اقلیم روشنایی - شاعر آئینه‌ها - آن سوی حرف و صوت

میراث عرفانی ایران - دفتر روشنایی - نوشته بر دریا - چشیدن طعم وقت - حالات و سخنان ابوسمید - ادوار شعر فارسی - زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی

شعر معاصر عرب - قلندریه در تاریخ - با چراغ و آئینه - حالات و مقامات م. امید - حزین لاهیچی در هجوم منتقدان - مرموزات اسدی در مرموزات داوودی

تصحیح کتب:

اسرار التوحید تألیف محمد بن منور - تاریخ نیشابوری تألیف حاکم نیشابوری - تصحیح آثار عطار نیشابوری: مختارنامه، مصیبت‌نامه، منطق الطیر،

اسرارنامه و دیوان عطار - غزلیات شمس سروده‌ی جلال‌الدین محمد مولوی

ترجمه:

تصوّف اسلامی و رابطه‌ی انسان و خدا تألیف رینولد نیکلسون

۳۲۸۶۲ (ب) تشبیه: یار به آفتاب

استعاره: جان‌بخشی به روح و فلک
(د) تشبیه: زلف به دام

استعاره: جان‌بخشی به باد صبا

بررسی آرایه در سایر بیت‌ها:

(الف) تشبیه: شب وصل به باد

استعاره: _____

(ج) تشبیه: _____

استعاره: جان‌بخشی به باد

۲۲۸۶۳ (استعاره: جان‌بخشی به نیشکر تشخیص و استعاره است.

حسن آمیزی: نطق شکرین

نغمه حروف: تکرار صامت «ش» (۶بار)

کنایه: لب‌گشودن کنایه از اقدام به سخن‌گویی / انگشت‌خاییدن در این جا کنایه از حسرت خوردن

۲۲۸۶۴ (ایهام تناسب (بیت «ج»): پرده (دوم): ۱- پوشش (معنی درست)

۲- پرده موسیقی (معنی نادرست / تناسب با مطرب)

استعاره (بیت «الف»): نسبت دادن دمیدن به بو

کنایه (بیت «ب»): دامن گل بردن کنایه از بهره‌مند و کامیاب شدن

حسن آمیزی (بیت «د»): تلخ گفتن / شیرین و لذیذ گفتن

۳۲۸۶۵ (ایهام: _____)

کنایه: طمع بریدن کنایه از ناامید شدن / عنان به کف کسی دادن کنایه از اختیار را به او واگذار کردن

بررسی آرایه در سایر گزینه‌ها:

(۱) ایهام: بو: ۱- رایحه ۲- آرزو، امید

کنایه: هواخواه کسی بودن کنایه از موافق و طرفدار او بودن / بو به دماغ رسیدن

کنایه از نشانه‌ای از چیزی را دریافت کردن

(۲) ایهام: شیرین: ۱- معشوق فرهاد ۲- نوعی مزه

کنایه: لاله از خون دیده دمیدن کنایه از بسیار گریستن

(۴) ایهام: قلب: ۱- میانه سپاه ۲- دل

کنایه: خیال یختن کنایه از آرزوی چیزی را در ذهن پروراندن

۴۲۸۶۶ (بررسی آرایه‌ها در گزینه (۴):

استعاره: نسبت دادن گوش‌مالی به عشق تشخیص و استعاره است.

کنایه: گوش کسی را مالیدن کنایه از او را تنبیه کردن

جناس: زیر، زار

واج‌آرایی: تکرار صامت «ر» (۵ بار)، و تکرار صامت «ز» (۴ بار) در مصراع اول

۱۲۸۶۷ (بررسی آرایه‌ها در گزینه (۱):

اغراق (بیت «ج»): این که روز و شب در سیمای معشوق محو باشند.

تضاد (بیت «د»): باقی ≠ فانی

تشبیه (بیت «ب»): جام لاله / شبنم به راح / ابر نیسانی به ساقی

ایهام (بیت «الف»): قانون: ۱- قاعده ۲- کتابی از ابن سینا ۳- نوعی ساز

۳۲۸۶۸ (جناس: دست، هست / تضاد: وصل ≠ هجران

بررسی آرایه در سایر گزینه‌ها:

(۱) ایهام تناسب: عود: ۱- نوعی چوب (معنی درست) ۲- نوعی ساز (تناسب با

چنگ / معنی نادرست)

ساز: ۱- بن فعل ساختن (معنی درست) ۲- وسیله نواختن آهنگ (تناسب با

چنگ / معنی نادرست)

حسن تعلیل: _____

(۲) پارادوکس: در آن واحد گریبان و خندان شدن / این که گریه سرمایه خندیدن شود.

حسن آمیزی: _____

(۴) تلمیح: اشاره به روایت چشمه آب حیات

استعاره: _____

۱۲۸۶۹ (تشبیه (بیت «ج»): خود به دیوانه

اسلوب معادله (بیت «ب»): محنت / خواجه / بهره ز اسباب = عرق / حمال / قسمت از بار گران

ایهام (بیت «ه»): در گرفتن: ۱- اثر کردن ۲- شعله‌ور کردن

استعاره (بیت «الف»): ماه (دوم): استعاره از یار

اغراق (بیت «د»): این که اشک بتواند سنگ آسیا را بگرداند.

۴۲۸۷۰ (کنایه: ترش بودن کنایه از بدخلقی، تیزی کردن کنایه از تندخویی /

ایهام تناسب: شور به معنای هیجان و عشق ایهام تناسب با طعم شور /

حسن آمیزی: تلخ نمودن / شیرین سخن گفتن

۱۲۸۷۱ (تشبیه: تشبیه لب یار (پسته) به قند و به طور ضمنی خنده یار به شکر

استعاره: پسته: استعاره از دهان یار

بررسی آرایه در سایر گزینه‌ها:

(۲) حسن آمیزی: شنیدن بو

جناس تام: _____

(۳) ایهام تناسب: روی: ۱- چهره (معنی درست) ۲- نوعی فلز (معنی نادرست /

تناسب با زر)

پارادوکس: _____

(۴) حسن تعلیل: _____

اغراق: بزرگ‌نمایی در گریستن

۲۲۸۷۲ (تلمیح: اشاره به روایت سخن گفتن حضرت عیسی (ع) در گهواره

تشبیه: غنچه به عیسی (ع) / شاخ (شاخه) به مهد / گل به حضرت مریم (ع) /

خاموشی به مهر (۴ تشبیه)

بررسی آرایه در سایر گزینه‌ها:

(۱) تلمیح: اشاره به روایت زندگی حضرت خضر (ع)

تشبیه: آب به عقیق / عشق به بادیه (۲ تشبیه)

(۳) تلمیح: اشاره به روایت زندگی حضرت یوسف (ع)

تشبیه: خود به زلیخامشربان (۱ تشبیه)

(۴) تلمیح: اشاره به داستان شیرین و فرهاد

تشبیه: عاشق به فرهاد (۱ تشبیه)

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱۳۰۲۴

(۲) اشباه: جمع شبه، مانندها، همانندان

(۳) استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن

(۴) تقریظ: ستودن، نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز دربارهٔ یک کتاب / وقب: هر

فرورفتگی اندام چون (مانند) گودی چشم

دقت کنیم! معنی پیشنهادی برای واژه «هژیر» با توجه به تغییرات کتاب درسی و

مطابق با منابع آزمون سال ۹۹ تصحیح شد.

معنی درست سایر واژه‌ها: ۳۳۰۲۵

(الف) مقرون: پیوسته، همراه

(ج) متفق: هم‌سو، هم‌ عقیده، موافق

(د) تمکّن: توانگری، ثروت

خطای علمی سؤال: طراح سؤال، گزینه (۱) را به دلیل معنی پیشنهادی «قرینه»

برای «مقرون» در واژه «الف»، و گزینه (۴) را به دلیل معنی پیشنهادی «هم‌گرا» برای

«متفق» نادرست تصور کرده که قطعاً یکی و بلکه هر دوی آن‌ها به تعبیری می‌تواند

درست باشد!

واژه‌های متناسب با معانی پیشنهادی در گزینه (۲): ۲۳۰۲۶

صاحب جمال: قسیم

پسندیده: صواب

برتر: ماورا

رواق: طاق

املائی درست گروه واژه‌ها: ۳۳۰۲۷

حشم و خدمتکار / آرم و حیا / کازیه و جاکاغذی / ضمد و مرهم / چریغ آفتاب /

ذی‌حیات و جاندار (۶ مورد)

املائی درست واژه‌ها در بیت‌های گزینه (۱): ۱۳۰۲۸

(الف) مستور: پنهان، محجوب (مسطور: نوشته شده)

(ب) سریر: عرش، تخت پادشاه

خطای علمی سؤال: این خطا البته به تنهایی در این سؤال، برجسته نیست، بلکه در

کل آزمون وقتی پرسش‌ها در یک مجموعه قرار می‌گیرند، به چشم می‌آید؛ چیزی که

از درک و دقت طراح، بسیار دور است. در بیت «الف» واژه «مسطور» با املائی نادرست

نوشته شده، در حالی که شکل درست املائی این واژه در سؤال دوم این آزمون در

بخش «ه» نوشته شده است!

املائی درست واژه: ۴۳۰۲۹

زوال (نابودی، از بین رفتن)

نام پدیدآورندگان آثار: ۲۳۰۳۰

سانتا ماریا: سید مهدی شجاعی / در حیات کوچک پاییز در زندان: مهدی اخوان ثالث

تیرانا: محمدرضا رحمانی / دری به خانه خورشید: سلمان هراتی

۲۳۰۳۱

(الف) مشبه: رنگ زمین / مشبه‌به: رخ من / وجه شبه: — / ادات تشبیه: چون //

(ب) مشبه: طبع زمان / مشبه‌به: دم من / وجه شبه: — / ادات تشبیه: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) الف) مشبه: دل / مشبه‌به: مار / وجه شبه: به پیچ و تاب افتادن / ادات تشبیه:

چون // ب) مشبه: طره / مشبه‌به: مار / وجه شبه: پیچان بودن / ادات تشبیه:

—

(۳) مشبه: جهان / مشبه‌به: نی / وجه شبه: هزاران ناله داشتن / ادات تشبیه: چون

(۴) الف) مشبه: من / مشبه‌به: شمع / وجه شبه: مشهور خوبان بودن / ادات

تشبیه: چو // ب) مشبه: من / مشبه‌به: شمع / وجه شبه: شب‌نشین بودن /

ادات تشبیه: چو

۴۳۰۳۲

تشبیه: سخن گفتن معشوق به سخن گفتن شیرین [و برتری دادن بر آن] در

مصراع اول / معشوق به شیرین [و برتری دادن بر آن] در مصراع دوم

ایهام: شیرین (مصراع اول): ۱. لذت‌بخش ۲. معشوقهٔ خسرو و معشوق فرهاد /

آب: ۱. مایه حیات (این‌جا به معنی بزاق دهان) ۲. آبرو / شیرین (مصراع دوم):

۱. لذت‌بخش ۲. معشوقهٔ خسرو و معشوق فرهاد

استعاره: شکر: استعاره از لب

ایهام تناسب: شکر: ۱- مادهٔ شیرین خوراکی معروف (معنی واژه در بیت) ۲-

معشوقهٔ خسرو و هووی شیرین! (معنی ناسازگار با بیت، متناسب با یکی از دو

معنی «شیرین» در مصراع‌های اول و دوم)

ایهام: ۱۳۰۳۳ / حس آمیزی: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) استعاره: جان‌بخشی به دل و خم: دل خامش / دل گویا / جگر خم / تناقض:

این که دل خامش از مهر خموشی، گویا شود.

(۳) تشبیه: مهر خموشی // مراعات نظیر: دل، جگر، سر / می، خم

(۴) مجاز: دل مجاز از وجود / جگر مجاز از اندرون / سر مجاز از درپوش و قسمت

فوقانی خم

اسلوب معادله: مهر خموشی / دل خامش / گویا شدن = سر بسته / جگر خم /

می در آن جوشیدن

۲۳۰۳۴

(الف) استعاره: جان‌بخشی به دل، تشخیص و استعاره است.

(د) تشبیه: من به گوی

(ب) پارادوکس: گرفتاری در عین آزادگی

(ج) حسن تعلیل: علت پراکندگی، شوریدگی و سرگردانی زلف، آگاهی آن از دل عاشق

دانسته شده.

۳۳۰۳۵

در مصراع دوم، بعد از واژه «به» حذف فعل وجود ندارد. شکل مرتب مصراع: «تا

به از سعدی شیرازی سخن نگوید»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) حذف فعل به قرینه لفظی در پایان مصراع دوم: جان فدا [است].

(۲) حذف فعل به قرینه معنوی در مصراع دوم: چه ارمغانی از این به [است] که ...

بررسی سایر بیت‌ها:

(الف) تفاوت باطن و استعداد پدیده‌ها با وجود شباهت ظاهری / نکوهش قیاس نابجا

(د) توصیه به سپردن امور به افراد معتبر و برخوردار

مفهوم گزینۀ (۴): عدالت موجب حفظ شخص عادل است.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینۀها: توصیه به عدل و دادگری

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ (۱): نکوهش عاقبت‌طلبی و

توصیه به تحمّل دشواری‌های راه عشق

بررسی سایر گزینۀها: ۲ و ۳) رهایی ناپذیری از عشق

(۴) غفلت از سستی اساسی یک پدیده و پرداختن به ظواهر و حواشی آن

دقت کنیم! طراح سؤال - همان‌طور که در آزمون سراسری سابقه داشته - از

لحظه مشاهده بیت در کتاب درسی تا لحظه نوشتن روی برگه، ممکن است چند

کلمه را فراموش کند! واژه پایان بیت در نسخه اصلی کنکور، «ساختند» بوده. رنگ

را ویران نمی‌سازند؛ ویران می‌ریزند!

مفهوم گزینۀ (۲): وحدت وجود

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینۀها: تقابل عشق و عقل، و غلبه عشق

مفاهیم ابیات مورد سؤال:

(ج) ستایش زیبایی معشوق، به تعبیری توصیف وصال و توصیه به غنیمت

شمردن فرصت بهره‌مندی از یار / به تصور و بیان طراح: غبطه خوردن بر عاشق

(ب) سازگاری درد عشق با عاشق / به تصور و بیان طراح: پذیرفتن سختی عشق

(د) تقابل عشق با همه دردها و گرفتاری‌ها / به تصور و بیان طراح: فراغت به

واسطه عشق

(الف) عشق موجب بی‌پروایی است. / به تصور و بیان طراح: توکل

دقت کنیم! نام‌گذاری طراح بر مفاهیم، معمولاً کلی، مبهم و کاملاً خالی از درک

ظرافت‌های شعر است. در پاسخ‌گویی به این تیپ سؤال، حتماً این نکته را مورد

توجه قرار بده و گزینۀ درست را تنها در مقایسه با سایر گزینۀها انتخاب کن.

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ ۴: ناپایداری دنیا

بررسی سایر گزینۀها:

(۱) جاودانگی عشق در وجود عاشق

(۲) ستایش زیبایی معشوق و بی‌همتایی او

(۳) بی‌همتایی معشوق

مفهوم گزینۀ (۲): رهایی ناپذیری از عشق / ارزش بودن زندگی بدون عشق

مفهوم مشترک سایر گزینۀها: پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشق

در گزینۀ (۴) از میان زمینۀهای چهارگانه حماسه، زمینۀ «ملّی» به

چشم می‌خورد و زمینۀ «داستانی» آن هم، روایت را به پیش می‌برد.

ویژگی مشترک حماسه در سایر گزینۀها «خرق عادت» است.

بررسی سایر گزینۀها:

(۱) رویین تنی اسفندیار

(۲) بی‌هماورد بودن در سنّ کودکی

(۳) عمر هزارساله ضحاک

(۴) حذف فعل به قرینه معنوی در مصراع دوم: آن که تو هر دو جهانش باشی / نیک‌بخت [است].

فعل «ساختن» در گزینۀ (۱) به معنی «پدید آوردن» و در سایر

گزینۀها فعل اسنادی است، به معنی «نمودن» و «گرداندن».

برای تعیین نقش واژه‌ها لازم است ارکان جمله‌ها را مرتب کنیم:

[او]، نموده رخ زیبا، راز همه افشا کرد / هم ش [او] [را] پرده‌در بنگر، هم ش

[او] [را] پرده‌نشین بین / همه: مضاف‌الیه / افشا: به تصور طراح سؤال، مسند!

ش: مضاف‌الیه / پرده‌نشین: مسند

خطای علمی سؤال: با توجه به این که تنها در گزینۀ (۳) واژه اول، مضاف‌الیه و واژه

چهارم، مسند اعلام شده، ناچار این گزینۀ را باید پاسخ در نظر گرفت، اما در واقع سؤال،

پاسخ درستی ندارد. روشن است که «افشا» بخشی است از فعل مرکب «افشا کرد» که

طراح سؤال بدون آگاهی از ساختار فعل مرکب و فعل‌های اسنادی چهارجزئی آن را

به غلط «مسند» تصور کرده است!

پای یار سرکش خورشیدچهره: سرکش (صفت مضاف‌الیه) /

خورشیدچهره (صفت مضاف‌الیه)

بررسی سایر گزینۀها:

(۲) قامت آن سرو سیم‌تن: آن (صفت مضاف‌الیه) / سیم‌تن (صفت مضاف‌الیه) //

خاک پای صنوبر: صنوبر (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

(۳) دیده اخترشمار من: من (مضاف‌الیه) // عشق نرگس پرخواب او: پرخواب

(صفت مضاف‌الیه) / او (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

(۴) مرید جذبه بی‌اختیار منصور: بی‌اختیار (صفت مضاف‌الیه) / منصور (مضاف‌الیه

مضاف‌الیه) // سر عشق تو (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

معانی مختلف «ان» در واژه‌های گزینۀ (۴): نیاکان (نشانه جمع) /

خرامان (نشانه صفت فاعلی) / بابکان (نشانه نسبت) / نوبهاران (نشانه زمان)

بررسی سایر گزینۀها:

(۱) روندگان (نشانه جمع) / سخن‌سرایان (نشانه جمع) / گیلان (نشانه مکان) /

خزان (به معنی «خزنده»، نشانه صفت فاعلی؛ به معنی «پاییز» وند جداگانه به

شمار نمی‌آید).

(۲) مردان (نشانه جمع) / کیان (به معنی پادشاهان و به معنی چه کسانی، نشانه

جمع؛ به معنی سرشت و شالوده و نام پسر، وند جداگانه به شمار نمی‌آید.) /

سپیندان (به معنی دانه اسفند یا خردل، وند جداگانه به شمار نمی‌آید.) /

سپیده‌دهان (نشانه زمان)

(۳) سخن‌گویان (نشانه جمع) / اگرگان (به معنی گرگ‌ها، نشانه جمع؛ به معنی نام

شهر، وند جداگانه به شمار نمی‌آید) / کوهان (نشانه شباهت) / بامدادان (نشانه زمان)

خطای علمی سؤال: انتخاب واژه‌های ناآشنایی مانند «کیان» و به ویژه «سپندان»

از سر بی‌سلیقگی طراح و ناآشنایی با اصول طراحی پرسش‌هایی است که تأثیر «وند»

در شکل‌گیری معنی واژه را مورد توجه قرار می‌دهند.

مفهوم مشترک بیت‌های گزینۀ (۳): هرکس نتیجه عمل خود را می‌بیند.

۲۳۰۴۸ مفهوم گزینه (۲): ترک تعلقات / نفی وجود مادی، زمینه‌ساز درک حقایق جهان هستی‌ست.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ترک آسایش، تعلق و وجود مادی

خطای علمی سؤال: روشن است که گزینه (۲) هم کاملاً مفهوم مورد سؤال، یعنی «عدم تعلق و وابستگی» را در خود دارد. موضوع این است که طراح سؤال، متوجه مفهوم بیت نشده و تصور کرده مخاطب دعوت شده به این که تن و جان و گوهر و کان و ایمان و همه این‌ها را «بنگرد»؛ در حالی که مفهوم دقیقاً عکس این است و منظور این است که تن و گوهر، نسبت به جان و کان بی‌ارزش‌اند، ظاهرند، تعلق و وابستگی‌اند و باید کنار گذاشته شوند تا به حقیقت برسی.

۱۳۰۴۹ **معنی درست سایر واژه‌ها:**

(ج) تقریظ: ستودن، نوشتن یادداشتی ستایش‌آمیز درباره یک کتاب

(د) مکاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند.

۳۳۰۵۰ **بررسی سایر گزینه‌ها:**

(۱) حرب: آلت حرب و نزاع، مانند شمشیر و خنجر و نیزه

(۲) توقع: امضا کردن فرمان، مهر کردن نامه و فرمان

(۴) مقرّر: معلوم، تعیین‌کننده

۴۳۰۵۱ **معنی درست واژه:**

تنیده: درهم بافته (تنیدن: درهم بافتن)

۲۳۰۵۲ **املاي درست واژه:**

شبه: نمونه، نظیر، مانند (شَبَح: سایه و سیاهی‌ای که از دور به نظر می‌رسد).

خطای علمی سؤال: در نسخه اصلی آزمون تجربی ۹۸ در گزینه (۴) گروه کلمه «حضيض و فرود» به عنوان سومین گروه آمده است. پرسیدن از املاي «حضيض» که از کتاب‌های نظام قدیم در ذهن طراح باقی‌مانده، نشان می‌دهد طراح سؤال حتی زحمت مطابقت دادن تصورات خود با کتاب‌های نظام جدید را هم به خود نداده‌اند. برای جلوگیری از حذف این سؤال، گروه کلمه نادرست را با گروه کلمه مهمّه «محظور و ممنوع» جای‌گزین کردیم.

۱۳۰۵۳ **صور:** شاخ و جز آن (چیزهایی شبیه به آن) که در آن می‌دمند تا آواز برآید (صدا بدهد)، بوق

املاي درست واژه در سایر گزینه‌ها:

(۲) هَرَا: صدا و غوغا، آواز مهیب

(۳) صولت: هیبت، قدرت، شکوه و جلال

(۴) نقض: شکستن، شکستن عهد و پیمان

۳۳۰۵۴ **املاي درست واژه:**

لثیم: پست، فرومایه

۲۳۰۵۵ **نام درست پدیدآورندگان آثار:**

جوامع‌الحکایات و لوامع‌الزویات: محمد عوفی / فرهاد و شیرین: وحشی بافقی / هم‌صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی

خطای علمی سؤال: طرح این سؤال، در سال برگزاری آزمون (سال ۹۸) کاملاً

نادرست بوده است. نام کتاب «هم‌صدا با حلق اسماعیل» در منابع کنکور ۹۹ آمده و در هنگام طراحی این سؤال، جزو بودجه‌مجاز برای طرح سؤال نبوده است. به بیان ساده‌تر، طراح سؤال، حتی سال چاپ کتاب درسی را هم بررسی نکرده که بداند برای کدام دانش‌آموزان که کدام کتاب را خوانده‌اند و در کنکور کدام سال شرکت می‌کنند، سؤال طرح می‌کند! به هر حال با توجه به این که در آزمون سال ۹۹ نام این کتاب و نویسنده‌اش جزو منابع طرح سؤال قرار می‌گیرد، سؤال را برای داوطلبان آزمون ۹۹ به بعد، حفظ کردیم!

۴۳۰۵۶ **تشبیه:** شیرین‌روش (تشبیه روش، یعنی راه رفتن معشوق به روش شیرین) / من به مجنون / شیرین‌میش (تشبیه میش معشوق به میش شیرین) / من به فرهاد (۴ تشبیه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تشبیه: رخ به بهشت / قد به طوبی (نام درختی در بهشت) / لقا (در این‌جا به معنی چهره) به خورشید (۳ تشبیه)

(۲) تشبیه: ابرو به طاق / ابرو به کمان / ابرو به کمند (۳ تشبیه)

(۳) تشبیه: معشوق به مهر / من به ذره (۲ تشبیه)

۲۳۰۵۷ **ایهام:** بو ۱. شمیم و رایحه ۲. امید و آرزو

تشبیه: من به غنچه

جناس: کو[ی]، بو[ی] / بر، سر

کنایه: نسیمی از سر کوی کسی بر سر دیگری گذاشتن کنایه از کم‌ترین امکان بهره‌مندی از او / پرده دیدن: این‌جا کنایه از بی‌قراری

۱۳۰۵۸ **استعاره:** جان‌بخشی به لاله و سحر و غنچه و صبا تشخیص و استعاره است. / اسلوب معادله: —

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) حسن تعلیل: علت دل‌بستگی داشتن دل عاشق با سر زلف معشوق، در این دانسته شده که هر تارگیسوی معشوق رگی در جان عاشق است. // مراعات نظیر:

دل، زلف، تار، گیسو، رگ // دل، جان

(۳) حس‌آمیزی: شنیدن بو / مجاز: خاک مجاز از گور

(۴) تناقض: سرفرازی کردن در پریشانی / این که توانایی در ناتوانی باشد. // استعاره: جان‌بخشی به زلف و چشم، تشخیص و استعاره است.

۳۳۰۵۹ **بررسی آرایه‌ها:**

(ب) جناس: کوی، بوی

(الف) تشخیص: جان‌بخشی به سرو

(د) مجاز: خط مجاز از نوشته، نامه، فرمان

(ج) تضاد: استادن ≠ نشستن

خطای علمی سؤال: سؤال با توجه به چیدمان حروف الفبا در نسخه اصلی آزمون تجربی ۹۸، بیشتر از یک پاسخ درست داشته. برای جلوگیری از حذف سؤال، ناچار با حفظ گزینه پاسخ اعلام شده از طرف سازمان سنجش، ترتیب حروف الفبا را در گزینه‌ها اصلاح کردیم!